

آینده مبهم فلسطینی‌ها

در حالی که اقدامات آمریکا برای برقراری آتش‌بس در غزه ادامه دارد، آینده سرزمین‌های فلسطینی هنوز در ابهام است. تشکیلات خودگردان فلسطین، مستقر در کرانه باختری و تحت حاکمیت فتح، امیدوار بود که افول حماس به آن فرصت دهد تا کنترل نوار غزه را دوباره به دست گیرد. با این حال، بعید است که تشکیلات خودگردان بتواند خلأ قدرت در غزه را پر کند و ناتوانی آن در انجام این کار، نشان‌دهنده واگذاری جنبش ملی فلسطین از نهادهای بزرگتر به طوایف محلی است که به دنبال انجام مستقل امور هستند. در ۸ ژوئیه، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، جلسه‌ای - دومین جلسه در دو روز - با دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در مورد چگونگی پایان دادن به جنگ اسرائیل و حماس برگزار کرد. در همان روز، نتانیاهو پس از دیدار با مایک جانسون، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا، به خبرنگاران گفت: «ما هنوز باید کار را در غزه تمام کنیم، همه گروهان‌های خود را آزاد کنیم، قابلیت‌های نظامی و دولتی حماس را از بین ببریم و نابود کنیم.» اندکی پس از آن، استیو وینکوف، فرستاده ویژه ترامپ، گفت که اختلافات بین اسرائیل و حماس که مذاکرات را متوقف کرده است، از چهار مورد به یک مورد کاهش یافته است. سخنگوی وزارت امور خارجه قطر به طور جداگانه به خبرنگاران گفت که برای نهایی کردن آتش‌بس به زمان بیشتری نیاز است. حماس با آگاهی از اینکه متحمل خسارات نظامی شده است و خسارات مانع از حکومتش بر غزه پس از جنگ خواهد شد، تلاش می‌کند تا حد امکان نفوذ خود را حفظ کند. گزارش بی‌بی‌سی در ۶ ژوئیه نیز همین موضوع را تأیید می‌کند. این گزارش می‌گوید که ساختار امنیتی و حکومتی حماس تقریباً فروپاشیده است. این گروه تنها حدود ۲۰ درصد از غزه را کنترل می‌کند، در حالی که ۹۵ درصد از ساختار فرماندهی آن از بین رفته است. به جای حماس، حدود شش طایفه مسلح وجود دارند که برای پر کردن خلأ سیاسی و امنیتی با یکدیگر مبارزه می‌کنند. مطمئناً، حماس احتمالاً نوعی حضور در غزه را حفظ خواهد کرد؛ این گروه در آنجا ایجاد شده است و همچنان در بین ساکنان غزه حامی پیدا خواهد کرد اما در موقعیتی نخواهد بود که به سیاست غزه تسلط داشته باشد. این هدف مشترک نه‌تنها اسرائیل و ایالات متحده، بلکه ذینفعان منطقه‌ای مانند مصر، اردن، عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز بوده است. حتی کشورهایی مانند ترکیه و قطر که روابط نزدیک‌تری با حماس دارند، ظاهراً علاقه‌ای به بازگشت به وضع سابق ندارند. منطق سیاسی این وضعیت نشان می‌دهد که غزه دوباره تحت حاکمیت تشکیلات خودگردان فلسطین قرار خواهد گرفت. اما نفوذ تشکیلات خودگردان فلسطین از سال ۲۰۰۷ به لطف تصرف مسلمانان غزه توسط حماس و گسترش همزمان شهرک‌های اسرائیلی به‌طور قابل توجهی کاهش یافته است. اختلافات داخلی، فساد، سوءمدیریت، اقتدارگرایی و رهبری سالخورده نیز در زوال تشکیلات خودگردان نقش داشته‌اند. محمود عباس، رئیس تقریباً ۹۰ ساله تشکیلات خودگردان، در هفت ماه گذشته دو جانشین بالقوه منصوب کرده است. در نوامبر گذشته، او روحی فتوح، رئیس ۷۵ ساله شورای ملی فلسطین را به عنوان رئیس موقت در صورت مرگ یا ناتوانی خود معرفی کرد. سپس در ماه آوریل، شورای مرکزی سازمان آزادی‌بخش فلسطین با اکثریت قاطع به ایجاد سمت جدید معاون رئیس‌جمهور کشور فلسطین رأی داد که عباس، معاون دیرینه خود، حسین الشیخ را به این سمت منصوب کرد. با این حال، این انتصابات در حالی که موقعیت تشکیلات خودگردان در مناطقی از کرانه باختری که ظاهراً تحت کنترل آن است، روبه افول است، چندان مؤثر نیست. در حال حاضر جانش‌هایی برای نفوذ تشکیلات خودگردان وجود دارد. مقاله‌ای در ۵ ژوئیه در وال استریت ژورنال گزارش داد که گروهی متشکل از پنج شیخ قبیله از هبرون، ظاهراً به رهبری شیخ وادی العجیری، به دنبال تأسیس امارتی جدا از تشکیلات خودگردان فلسطین هستند. این رهبران طوایف با ادعای نمایندگی از اکثریت ۷۰۰ هزار ساکن فلسطینی هبرون، نام‌های به نیر برکات، وزیر اقتصاد اسرائیل، ارسال کردند و گفتند که امارت آنها اسرائیل را به عنوان دولت یهود به رسمیت می‌شناسد و به توافق نامه‌های ابراهیم می‌پیوندد. مشخص نیست که آیا این رهبران می‌توانند به این اهداف دست یابند یا خیر، اما این اقدام آنها عدم محبوبیت تشکیلات خودگردان را به همراه دارد. مناطقی از کرانه باختری که اکثریت آنها فلسطینی هستند، یک سرزمین پیوسته را تشکیل نمی‌دهند، بلکه به عنوان کانتون‌های محلی وجود دارند. چنین فضایی به نفع کسانی است که به دنبال حکومت محلی هستند و این حکومت محلی حاکمیت تشکیلات خودگردان را تضعیف می‌کند.



روح‌اله نخعی

خبرنگار گروه دیپلماسی

جنگ اسرائیل با ایران محک تازه‌ای برای موضع گیری کشورهای منطقه و جهان بود. طبق پیش‌بینی‌ها، موضع‌گیری‌ها در حمایت از اسرائیل از طرف بازیگرانی بود که حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی به تل‌آویو ارائه می‌دادند. برخی از کسانی که موضع‌گیری هم نکرده بودند، باز تا حدی به کمک اسرائیل آمدند. بر خسی دیگر، موضع میانه گرفتند و صرفاً از دو طرف خواستند چنین و چنان نکنند. برخی کشورها، به‌خصوص در منطقه، نگرانی‌های خود را از تبعات چنین جنگی پیشتر هم با واشنگتن مطرح کرده بودند. در مقابل اقدام عملی علیه اسرائیل بابت حمله به ایران به کشور کوچک یمن منحصر بود که دعوای خود با اسرائیل را ادامه می‌داد. البته خیلی مقامات با ادبیات مختلف، نسبت به این حملات به ایران ابراز مخالفت و نگرانی می‌کردند یا حتی آن‌را محکوم می‌دانستند. در میان آن‌هایی که به موضع‌گیری در این باره می‌پرداختند، شاید تندترین و جدی‌ترین ادبیات از سوی مقامات پاکستان دیده شد. این موضع‌گیری منجر به برخی گمانه‌زنی‌ها و حتی انتشار برخی اخبار نیز شد که البته تکذیب شدند. پیش از آنکه به چرایی واکنش اسلام‌آباد بپردازیم، مروری بر این موضع‌گیری‌ها خالی از لطف نیست.

▼ پاکستانی‌ها چه گفتند؟

بلافاصله پس از شروع جنگ، آصف علی زرداری، رئیس‌جمهور پاکستان تجاوز آشکار اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران را به شدت محکوم کرد. وی گفت: «حملات نظامی اسرائیل نقض آشکار حاکمیت و تمامیت ارضی ایران و به منزله نادیده گرفتن کامل منشور سازمان ملل و اصول اساسی حقوق بین‌الملل است.» رئیس‌جمهور پاکستان تصریح کرد: «عمیق‌ترین مراتب تسلیت خود را به ملت برادر ایران در پی از دست دادن جان انسان‌ها در حمله تروریستی رژیم صهیونیستی ابراز می‌کنم.» زرداری همچنین از جامعه بین‌المللی و سازمان ملل خواست تا رژیم متجاوز (اسرائیل) را پاسخگو کرده و برای جلوگیری از تشدید بیشتر اوضاع، اقدامات فوری انجام دهند. همان زمان، مجلس ملی پاکستان با اجماع کامل قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در آن ضمن محکومیت شدید این اقدام، بر حق ایران در دفاع مشروع تأکید شد.

سردار اباز صادق، رئیس‌مجلس پاکستان در سخنانی صریح اعلام کرد: «اسرائیل یک رژیم تروریستی است و پاکستان هرگز آن را به رسمیت نخواهد شناخت.» وی افزود: «تصویب این قطعنامه نشان‌دهنده موضع اصولی پاکستان در حمایت از کشورهای مظلوم و مقابله با تجاوزگری است.» در قطعنامه مصوب آمده است: «مجلس ملی پاکستان حمله غیرقانونی و تحریک‌آمیز اسرائیل به کشور برادر جمهوری اسلامی ایران را که موجب تلفات جانی و خسارات گسترده شده است، با شدیدترین لحن محکوم می‌کند. این اقدام نقض آشکار منشور سازمان ملل و تهدیدی جدی برای صلح منطقه‌ای و جهانی به‌شمار می‌رود.»

پارلمان پاکستان همچنین از دولت این کشور خواست تا با جدیت خواهان تشکیل جلسه فوری شورای امنیت سازمان ملل و سازمان همکاری اسلامی برای بررسی این تجاوز و اتخاذ تدابیر بازدارنده شود.

سردار فتح‌اله خان میان‌خیل، رئیس کمیسیون دفاع مجلس ملی پاکستان، با ایرنا مصاحبه کرد و گفت: «عملیات موشکی نیروهای مسلح ایران علیه تجاوزات اسرائیل، کاملاً مطابق با قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل است و هم‌زمان باید بگوییم که این وضعیت، فرصتی برای حاکمان کشورهای منطقه و تمام امت اسلامی برای وحدت در برابر دشمنان مشترک به‌ویژه اسرائیل به حساب می‌آید.» وی اقدامات اسرائیل را نقض صریح هنجارهای بین‌المللی دانست و افزود: «دشمنان اسلام به‌ویژه اسرائیل در ایجاد ناامنی در منطقه دست دارند لذا اکنون زمان یکپارچگی کشورهای جهان اسلام علیه اسرائیل است.» سناتور محمد اسحاق‌دار، معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه پاکستان طی تماس تلفنی با سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران، حملات رژیم صهیونیستی به ایران را به شدت محکوم کرد و با ابراز همبستگی دولت و مردم پاکستان با دولت و مردم ایران، نسبت به بر هم خوردن ثبات و امنیت کل منطقه ناشی از تجاوزهای رژیم صهیونیستی ابراز نگرانی کرد. شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، در تماس با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، با بیان اینکه دولت و ملت پاکستان در کنار جمهوری اسلامی ایران

در شرایطی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که به خرج اروپا بد افند هوایی پاتریوت راه به اوکراین می‌فرستد، مکرون گفت: «آزادی اروپای ما در زمانی به خطر افتاده است که با حمله به اوکراین، جنگ به خاک ما کشیده شده است. در حالی که ایالات متحده نوعی عدم قطعیت به آن افزوده و اروپای ما خود را به لبه یک قوس وسیع بحران می‌بیند که از خلیج کینه شروع می‌شود، از ساحل آفریقا تا خاور میانه و ایران امتداد می‌یابد. بگذارید واضح باشیم: ما اروپایی‌ها اکنون باید امنیت خود را تضمین کنیم.»

او با اشاره به جنگ اوکراین گفت: «امنیت و آزادی ما با سرنوشت این کشور پیوند خورده است. به همین دلیل است که فرانسه، به همراه شریک بریتانیایی

هستند، تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران را نقض تمامی قوانین بین‌المللی توصیف و ضمن محکومیت آن شهادت تعدادی از مردم، مقامات و دانشمندان کشورمان را تسلیت گفت. شهباز شریف با اظهار امیدواری نسبت به برقراری صلح و آرامش افزود: «متأسفانه رژیم صهیونیستی با مصونیت مرتکب تمام این اقدامات خلاف منشور و قواعد بین‌الملل می‌شود.» نخست‌وزیر پاکستان با بیان اینکه کشورش آماده است در عملیات بازگشت حجاج از حج به ایران همکاری کند، از رئیس‌جمهور خواست که سلام‌وی را به مقام معظم رهبری ابلاغ کند. وی همچنین باسفر ایران در اسلام‌آباد دیدار، حمله نظامی اسرائیل به ایران را محکوم و بر حمایت کامل دولت و ملت پاکستان از ایران تأکید کرد. در روزهایی که بعدتر روزهای پایانی جنگ از کار درآمدند، عاصم افتخار احمد، نماینده پاکستان در شورای امنیت سازمان ملل گفت کشورش حمله «غیرقانونی و بی‌دلیل» رژیم صهیونیستی به خاک ایران را به شدت محدود می‌کند. وی افزود: «باید پیش از آن که اوضاع از کنترل خارج شود، آتش‌بس کامل میان ایران و اسرائیل برقرار شود.» نماینده پاکستان در شورای امنیت تأکید کرد: «اقدامات غیرقانونی اسرائیل نباید مسیر مذاکرات مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را تضعیف کند.» پس از جنگ هم این قبیل موضع‌گیری‌ها در حمایت از ایران ادامه داشت.

از همه این واکنش‌ها شدیدتر البته واکنش وزیر دفاع پاکستان به اظهارات رضا پهلوی در حمایت از حملات اسرائیل به ایران بود. خواجه محمد آصف، ابتدا در توثیتی با ادبیاتی به‌شدت تند، پهلوی را «انگل»، «امپریالیست» و عباراتی تندتر از این خطاب کرد و وقتی ادبیات او با انتقاد برخی مواجه شد، چنین توضیح داد: «تأسف‌آور است که بعضی‌ها نگران تعارفات کلامی هستند، وقتی جلوی چشم «دنیای متمدن»، نسل کشی در جریان است و هزاران کودک بدون توقف سلاخی می‌شوند. این یک دوره‌می شام نیست که لازم باشد حواس آدم به زبان و آداب معاشرت باشد. پهلوی در کنار نتانیاهو ایستاده، یک دیوانه نسل کش- تنها چیزی که لایقش است نفرت است و لاغیر.»

▼ مشکل پاکستان با اسرائیل چیست؟

اما چرا پاکستان با اسرائیل آن قدر مشکل دارد که نه‌تنها به حملات اسرائیل بلکه به موضع‌گیری یک چهره دیگر در قبال این رژیم نیز چنین واکنش نشان می‌دهد؟ این سؤال چند پاسخ دارد. بخشی از موضوع طبعاً به هویت پاکستان به عنوان کشوری اسلامی برمی‌گردد، بخشی به غیبت پاکستان در بسیاری از تنش‌های خاورمیانه بر خلاف بعضی کشورهای حاشیه خلیج فارس مربوط است، بخشی به تنش قدیمی و تازه هند و

خود، ائتلافی از کشورهای داوطلب را گرد هم آورده است تا به تضمین صلح پایداری که در قاره خود به آن نیاز داریم، کمک کند. این ائتلاف داوطلبان، اکنون شامل ۳۰ کشور است و ستاد عملیاتی آن برای اولین بار در پاریس تأسیس و مستقر شده است. این، بخشی از توانایی‌ها و تلاش‌های عملی است که ما در حال حاضر انجام می‌دهیم و هدف آن تبدیل فرانسه به کشور زیربنا برای عملیات‌های آینده است.»

مکرون با اشاره به رویکرد دونالد ترامپ برای کاهش نقش ایالات متحده در دفاع از اروپا گفت: «من به مردم فرانسه اعلام کردم که در مواجهه با تهدیدات وجودی برای آزادی ما، باید تصمیمات تاریخی بگیریم. به نظر من، این تصمیمات برای تضمین امنیت و استقلال ما ضروری هستند. در حالی که متد آمریکایی

حباب غزه یا بغض چرای پاکستان در مقابل جنگ

پاکستان مربوط است، بخشی نتیجه رابطه اسلام‌آباد با تهران است، بخشی به تعاملات پاکستان با چین مربوط است، بخشی، احتمالاً به نگرانی‌های منطقه‌ای پاکستان بر می‌گردد و بخشی هم آینده‌نگری اسلام‌آباد است.

▼ مسئله مذهب

پاکستان به هر حال کشوری اسلامی است و در این زمینه ادعاهای بسیاری دارد. فضای عمومی این کشور نیز فضای مذهبی است، با دغدغه‌های این چنینی. یکی از تبعات این حالت نیز طبعاً دغدغه فلسطین و موضع در مقابل اسرائیل است. این موضع زمانی موضع مشترک و قاطع در میان قریب به اتفاق کشورهای اسلامی بود. بسیاری از آن‌ها اما به دلیل درگیری مستقیم با مسائل خاورمیانه، اسرائیل و ایران و نیز به خاطر شکست‌هایی که در تقابل با اسرائیل متحمل شدند، موضع خود را تلطیف کردند یا تغییر دادند اما پاکستان، مثل عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر، اردن و دیگران، در میانه این درگیری‌ها نبوده است و دلیل برای تغییر این موضع نداشت. همچنین، باز برخلاف کشورهای مذکور، در تعاملات با متحدانش نیز فشاری بابت تعامل با اسرائیل متحمل نمی‌شده. از این رو همچنان بر موضع تقابل با اسرائیل و حمایت از فلسطین به همان شکل سابق مانده است. عمران خان، در سال ۲۰۲۰ زمانی که روند عادی‌سازی روابط کشورهای مسلمان عرب با اسرائیل در جریان بود، بار دیگر بر این موضوع تأکید کرد: «هر چه کشورهای دیگر انجام دهند، موضع ما روشن است. محمدهلی جناح در سال ۱۹۴۸ گفته بود تا زمانی که فلسطینی‌ها حقوق‌شان را به‌دست نیاورند، ما نمی‌توانیم اسرائیل را به رسمیت بشناسیم.» سال‌ها پیش از او، پرویز مشرف، سلف عمران خان نیز تأکید کرده بود برقراری رابطه با اسرائیل منوط به حل مسئله فلسطین است. طبعاً در چنین وضعی، وقتی اسرائیل به همسایه پاکستان حمله کرده باشد، پاکستان تصمیم سختی برای اعلام حمایت از ایران و مخالفت با اسرائیل ندارد.

▼ دوست دشمن من

مسئله دیگری که بر روابط پاکستان و اسرائیل اثر جدی می‌گذارد، مسئله هند است. یکی از پایه‌های وجود پاکستان از زمان تأسیس به عنوان کشوری مستقل، تقابل با هند بوده است. حتی می‌توان ادعا کرد، پاکستان اول مشکلی با هند بود و بعد به کشوری مستقل تبدیل شد. هند از طرف دیگر، از جدی‌ترین حامیان اسرائیل در شرق است. روابط گسترده هند و اسرائیل، هم

▼ پیش به سوی اروپایی مستقل‌تر

مکرون با تأکید بر لزوم افزایش بودجه نظامی فرانسه گفت: «ما باید تلاش‌هایی را که در طول سه سال گذشته انجام داده ایم، ادامه دهیم تا بتوانیم سریع‌تر نوآوری